

بررسی فتنه سال ۸۸ و نگاه به اتفاقات آن سال از زوایای مختلف یکی از مطالباتی است که رهبر حکیم انقلاب از جریان‌های مختلف خواسته‌اند؛ پیچیدگی فتنه، وقایع تو در تو اما مهم و هر آنچه در آن سال اتفاق افتاد نیاز به چند صد کتاب دارد و گفتن در چند پاراگراف تنها نوک‌زدن به دریایی است؛ اما آنچه فی‌الحال مورد نظر قرار گرفته است، پیش و پس فتنه ۸۸ و دلایل ایجاد حماسه ۹ دی است.

■ **شرایط پیش از فتنه ۸۸**

برخلاف بسیاری از تحلیل‌های مغرضانه که‌وضعیت ایران را ناپسامان دانسته و ۴ سال دولت نهم را سال‌های سیاه تصور می‌کردند؛ آنچه از گزاره‌های دشمنان ایران برمی‌آید این نتیجه را می‌دهد که در آستانه انتخابات سال ۸۸ اولین بار است که جریان ضدانقلاب به این جمع‌بندی رسیده است که نمی‌تواند قدرت ایران را نادیده بگیرد و دیگر نمی‌تواند از تغییر نظام در ایران صحبت کند و باید بپذیرد ایران مقتدر و محوری در منطقه است که می‌تواند گره‌گشای مشکلات منطقه باشد. رابرت گیتس، وزیر وقت دفاع آمریکا در اسفندماه سال ۸۷ می‌گوید: «هیچکس به دنبال تغییر نظام در ایران نیست». پیش از آن نیز «دیوید میلیبند»، وزیر وقت خارجه انگلستان در مصاحبه با العربیه می‌گوید: «انگلستان به دنبال تغییر نظام ایران نیست.» «رژینسکی»، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا ۲۸ آبان ۸۷ و در گفت‌وگو با مجله آلمانی «شترن» به واقعیت قدرتمند شدن ایران معترف می‌شود و می‌گوید: «واقعیت این است که دوران حماقت ابرقدرتی آمریکا به پایان رسیده است، درباره ایران و برنامه هسته‌ای ایران نیز ما به رویکرد «واقع‌گرایانه»، «منعطفت‌تر» و «منطقی‌تر» نیازمندیم. ما باید مذاکره کنیم. ما ممکن است حتی بدون پیش‌شرط مذاکره کنیم. رویکرد موفقیت‌آمیز برای ایران باید با منافع امنیتی تهران و واشنگتن منطبق باشد.» «اوباما»، رئیس‌جمهور آمریکا

مجبور می‌شود ایران را به رسمیت بشناسد و در پیام نوروزی سال ۸۸ می‌گوید: «می‌خواهم با رهبران ایران صریح صحبت کنم.» اقتدار و استحكام داخلی در جمهوری اسلامی، مقامات آمریکایی را مجبور کرده از مواضع خود عقب‌نشینی کنند. گویی جهان به یک واقعیت مهم پی برده است که مشکلات منطقه بدون حضور ایران حل نخواهد شد. تحلیل‌های اندیشکده‌های آمریکایی و صاحب‌نظران سیاست‌بین‌الملل در روزهای نزدیک به انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و با پیش‌بینی مشارکت گسترده مردم در این انتخابات همگی یک نتیجه مشترک دارد؛ که ایران قوی را نمی‌شود تهدید کرد.

■ **برنامه‌های انتخاباتی و روزهای پیش از انتخابات**
رفتارهای انتخاباتی در روزهای پیش از انتخابات رنگ و بوی مشکوکی دارد. سیاه‌منامی صرف از وضعیت کشور، انتخاب رنگ واحد، شعارهای رادیکال، تهییج پیش از حد مردمی، و چند نشانه از دستورات جین شارپ برای انقلاب مخملی؛ اینها برخی از مسائلی است که در لایه‌های مسائل انتخابات می‌شود دید. و بعد از مناظره‌های انتخاباتی یک نامه جامعه را به شوک وامی‌دارد. نامه‌ای بدون سلام و والسلام به شخص اول کشور از طرف «هاشمی‌رفسنجانی» در ۱۹ خرداد یعنی تنها ۳ روز پیش از انتخابات صادر می‌شود. نامه‌ای با لحنی تهدیدآمیز به نظام که با نظر هاشمی و بعد جلب شون با «یک شش بخشی از مردم و احزاب و جریان‌ها-این وضع را بخشی از این برندی ثابت و آتش‌فشان‌هایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان‌ها، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم». این صحبت هاشمی‌رفسنجانی، صبح روز انتخابات توسط همسرش شنیده می‌شود. بسیاری امروز آداره‌کننده هاشمی است- تکمیل می‌شود. «هفت مرعشی» پس از ریختن رأی به صندوق می‌گوید: «اگر قلب شود، از مردم می‌خواهم با حضور در خیابان‌ها واکنش نشان دهند، اما در صورتی که قلب انجام نشود، مطمئن هستم که میرحسین موسوی رأی خواهد آورد.» انتخابات برگزار می‌شود و حضور ۴۰ میلیونی مردم پای صندوق‌های رأی که در هیچ دموکراسی قابل مشاهده نیست چشم‌جهانیان را به خود خیره کرده است. همه می‌دانند انتخابات محلی است برای آنکه جمهوریت و نظر مردم تثبیت شود، هر انتخاباتی برندی‌ای دارد و یازنده یا یازندگانی؛ همه منتظر نتیجه انتخابات هستند اما پیش از آنکه مهلت رأی‌ریزی آید، باید یک اظهارنظر همه چیز متفاوت می‌کند. میرحسین موسوی در یک کنفرانس خبری اعلام می‌کند: «برنده قطعی با نسبت آرای بالا اینجانب هستم». به فاصله چند ساعت پس از این اظهارنظر قضا برای اظهارنظرهای شبانه‌زده شدن می‌گیرد؛ و از آنجا که اظهارنظر کاندیدای مغلوب، تصور عمومی بسیاری از کسانی که به رأی داده‌اند را شک می‌دهد، باور نتیجه واقعی و آنچه پس از شمارش آرا مشخص شد برای برخی شبانه‌هایی ایجاد می‌کند. این مساله در اظهارنظرهای محکومان فتنه مشخص است. چنانکه «محمدعلی ابطحی» در دادگاه می‌گوید: اصلی‌ترین اتفاقی که در این انتخابات افتاد و البته در طول برگزاری، قبل و بعد از انتخابات هم مطرح بود، مساله قلب است. بنده البته جایی مطرح کردم که قلب یک اسم رمز آشوب شده است که در آن لشکرسازی برای قلب وجود داشت و تمرین پهن شدن مردم در خیابان‌ها هم در آن موجود بود. تمرین نگه داشتن گسترده مردم در خیابان‌ها در چارچوب قلب بود که می‌توانست معنا پیدا کند. نگه‌داشتن گسترده مردم در خیابان‌ها برای صحنه گردان حوادث پس از انتخابات تنها به یک شکل امکانپذیر بود؛اینکه مطالبات قراقانونی و ساختار شکنانه خود را از طریق فشار، البته



براساس قواعدی که دیکته شده «جین شارب» در انقلاب مخملی بود، پیش بریزند. جین شارب در کتاب خود می‌گوید: «باید مردم را به خیابان‌ها گشاند، از نمادهای رنگی برای اعتراض‌ها استفاده کرد تا وحدت در بین معترضان ایجاد شود، آتش زدن وسایل عمومی می‌تواند به تشنج کمک کند». یک هفته خیابان‌های تهران در تازطم به سر می‌برد و دعوت جریان‌های رادیکال اصلاح‌طلب خیابان‌های شهر را برای مردم ناہمی می‌کند؛ این تحرکات آنها البته عده بسیاری را هم در ابهام فرو برده است اما ۲۹ خرداد همه چشم‌ها به دانشگاه تهران خیره می‌شود؛ تا فصل الخطاب را بشنود. رهبری در خطبه نمازجمعه ۲۹ خرداد می‌فرماید: «این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می‌کنند و مسؤولان نظام را مجبور می‌کنند، وادار می‌کنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً، تان دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً منوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت. من از همه این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است؛ از این راه بروید. و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را می‌خواهند. جشن پیروزی ۴۰ میلیونی را این برادران گرمی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن می‌خواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آنوقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.»

■ **پس از ۲۹ خرداد؛ ادامه فتنه‌گری فتنه‌گران و جدا شدن مردم از آنها**

بسیاری از کسانی که حتی در جناح سیاسی کاندیدای پیروز هم نبودند و کاندیدای آنها در انتخابات مغلوب شده بود؛ نمازجمعه ۲۹ خرداد را فصل‌الخطاب می‌دانستند؛ و آغازی بر پایان رفتارهای خیابانی؛ ۲ کاندیدای مدعی قلب اما مسیری جز به خیابان کشادن مردم بنا بر دیکته نوشته شده براساس فکر دولت‌های غربی را بلد نبودند و به همین دلیل با اظهارنظرهای غیرواقعی و ایجاد شبهه در سبب انتخابات ۴۰ میلیونی تلاش می‌کردند فضا را همچنان فتنه‌گون نگه دارند. روزنامه آمریکایی «وال‌استریت ژورنال» عصر روز ۲۹ خرداد در یادداشتی می‌نویسد: «هاند دخالت آمریکا در اغتشاشات سال ۲۰۰۸ تبت، انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۵ مصر و مساله روسیه به تاجیکستان، آمریکا می‌خواهد درباره حمله ایران نیز دخالت کرده و از این موقعیت به‌دست آمده نهایت استفاده را بکند.» و پارک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگو با «سی‌بی‌اس» اعلام می‌کند: «من قبلاً هم گفته‌ام عمیقاً نگران انتخابات ایران هستم، مخالفان رژیم ایران بدانند که جهان به آنها چشم دوخته است… اظهارات کاندیدگان ایرانی فقط در یک عدالت هستند. ما از کسانی که در پی عدالت از یک راه مسالمت‌آمیز هستند پشتیبانی می‌کنیم و من می‌خواهم تکرار کنم که ما در کنار کسانی که منوجه راه حلی مسالمت‌آمیز برای این کشمکش خواهند بود، می‌ایستیم.» این حمایت‌ها باعث می‌شود تجمع بدون مجوز حامیان موسوی به دعوت مجمع روحانیون مبارز در ۳۰ خرداد به‌وقوع بپیوندد. موسوی طی بیانیه‌ای ادامه حضور خیابانی تاکید کرد و در ابتدای بیانیه خود با اشاره به اینکه «قطعه عطفی در تاریخ ملت ما در حال

تأملات



واکاوی علل به‌وجود آمدن حماسه ۹ دی

پتک جمهوریت بر دیکتاتوری اشرافیت

■ امیرعلی جهاندار

■ **روز قدس و کنار گذاشتن آرمان امام خمینی(ره)**
فتنه به ایستگاه روز قدس رسید. اغتشاشگران و کاندیدای مدعی تقلب با الهام از شبکه‌های ضدانقلاب شعار «ته غزه نه لبنان» را برای راهپیمایی انتخاب کردند که به معنای فراموش کردن آرمان فلسطین بود. حال آنکه ۵ سال بعد همه فهمیدند که اگر فلسطین و لبنان فراموش می‌شد، ناامنی‌های منطقه دامن ایران را هم گرفته بود و امنیت داخلی حاصل پشتیبانی از مقاومت منطقه بوده است. حضور سران مدعی تقلب در این تجمعات حاکی از این است که با ادامه تحرکات خیابانی به فرجام رساندن ادعای دروغ دل‌بسته‌اند و این را حتی تا فراموشی خط امام و شعار اصلی روز قدس و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس پیش بردند. با شروع مهرماه و بازگشایی دانشگاه‌ها، برخی فرصت‌طلبان زمینه برای سوءاستفاده از فضای دانشجویی را آماده می‌بینند؛ تلاش دارند با تحریک دانشجویان با همان ادعاهای دروغ قبلی ماههای پرچالشی را برای دانشگاه رقم بزنند. ۱۳ آبان نزدیک است؛ در حالی که به قاعده همه سال‌های پیش از این، این روز با شعار «مرگ بر آمریکا» شناخته می‌شود، جریان معدودی بر قریب به اتفاق مردم کشور با طرح شعارهای انحرافی، تلاش می‌کنند مرگ بر آمریکا را به چالش بکشند. شعارهایی که با اهداف انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام(ره) تناقضی آشکار داشت. ۱۶ آذر ۸۸ در حالی که دانشجویان دانشگاه‌های تهران به دنبال برگزاری برنامه‌ای برای بزرگداشت ۳ شهید دانشجویی ۱۶ آذر ۲۲ که در مقابل پای «یکسون» قربانی شدند، بودند، گروهی با طرح همان ادعاهای قبلی که هیچ سندی برای آنها نیاموده بودند، این بار به قلب مردم زدند، و با بی‌حرمی به تصویر امام راحل بر ادامه ضدیت با اصل جمهوری اسلامی پافشاری کردند.

■ **بازگشت غرب به راهبرد فشار و تحریم**
کشور روزهای آشفته‌ای را پشت سر می‌گذارد؛ به‌رغم آگاهی مردم و مقابله هر روزه آنان در تجمعات گسترده با فتنه و فتنه‌گر، سکوت برخی خواص و تردیدافزایی آنان به جای گرگ‌شایی، کار را پیچیده‌تر می‌کند. متاثر از فضای داخلی و فتنه مدعیان دروغ تقلب، در آن سوی مرزها دشمنان چندین و چند ساله جمهوری اسلامی به فکر نقشه‌های تازه‌ای هستند؛ تحریم‌هایی که از ابتدای انقلاب یکی از حربه‌های مبارزاتی‌شان بوده را تشدید می‌کنند. پارک اوباما با تمدید شرایط انضطرابی و خطر ایران، تحریم‌های ایالات متحده علیه تهران را که به موجب قانون «اعمال قدرت اقتصادی در شرایط انضطرابی بین‌المللی» (IEEPA) عمل می‌کرد، تمدید می‌کند. گنگره آمریکا تصویب و به اجرا گذاشته شد که شامل مسؤولیت‌پذیری و محرومیت ایران» (CISADA) در و در تاریخ ۲۰/۱/۰۱ نیز «قانون جامع تحریم‌ها، مسؤولیت‌پذیری و محرومیت ایران» (CISADA) در و در تاریخ ۲۲ آذر ۸۸ فرمودند: «آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، به‌مجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت‌گیری علیه این اصول به وجود بیاید،



فوراً متنبه می‌شود، چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شفتند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلام‌ش حذف می‌شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه، نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره تاریخی ۱۰۰ سال و ۲۰۰ ساله تا حالا - دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه آدم‌های فلسند، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت می‌کنند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کنند، راقص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کنند، باید متنبه بشوند، باید چشم‌شان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را. چرا رودرباستی می‌کنند؟ آیا می‌شود بابینه عقلایت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلایت به‌خرج می‌دهیم؛ این عقلایت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین طور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلایت است؟! این نقطه مقابل عقل است. عقل این است که به‌مجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را می‌کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویید نه نه، ما نیستیم؛ به‌مجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی می‌کند، چه می‌خواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب می‌کنم!»

■ **تدارک برای عاشورایی ضدانقلابی**
مردم فتنه‌گران را طرد کرده‌اند و امام محرم است و مشغول عزاداری هستند اما خبرهای ضد و نقیضی از یک اتفاق در روز عاشورا حکایت دارد. علیرضا نوری‌زاده در گفت‌وگو با تلویزیون العربیه می‌گوید: روز عاشورا شعارهای بسیار جدیدی خواهیم دید و این بار نه احمدی‌نژاد بلکه شخص رهبری هدف شعارها خواهد بود. فراخوان تلویزیون سازمان مجاهدین خلق، مردم ایران را به شورش عمومی و سردادن شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه برای یکسره کردن کار رژیم در روز عاشورا فراخوانده بود. شب عاشورا در جسران نیکی نیز از سران فتنه سخنرانی دارد. سران مدعی دروغ تقلب، به جای آنکه برائت خود از توهمین‌کنندگان از امام حسین(ع) را اعلام کنند، بیانیه‌هایی که بلافاصله پس از بی‌حرمی روز عاشورا صادر می‌کنند، حرمت‌شکنان را «ردمی خادجو» و «فرزند زهر اس» خطاب می‌کنند. آنها که سال‌های انقلاب را هم در ک کرده بودند می‌دانستند جریانی که روز عاشورا سوت و کف می‌زند و می‌خواهد مرگ بر آمریکا فراموش شود، زمان امام هم حضور داشته است و امام در مقابل آنها با قدرت ایستادگی کرد. امام درباره این جریان فرمودند: «ما شعار سرتوئی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ام، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر آمریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم… نباید ما فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا هستیم.» این تفاله‌هایی که قالب زندقه‌خوشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند. خط این بود که اصلاً آمریکا منسی بشود. یک دسته شوروی را طرح می‌کردند تا آمریکا منسی شود، یک دسته «الله‌اکبر» را کنار می‌گذاشتند، سوت می‌زدند و کف می‌زدند آن هم روز عاشورا. این بود که این فقیه مرگ بر آمریکا منسی بشود.» مردم دیگر ادامه مدارا با فتنه‌گران را جایز نمی‌دانستند و بیکار برای همیشه خط فتنه را باطل کردند. ۹ دی در سمرقاله این نشریه می‌نویسد: «تحریم به تنهایی کافی نیست. ما باید دیپلماسی عمومی را به نقض حقیق بشر در ایران متمرکز کنیم. جمهوری اسلامی به دلیل وجود ایزدیسویں داخلی دچار نقاط ضعف شده و باید بر این نقطه فشار وارد کرد.» «آدام اری» سفیر آمریکا هم که در بحرین قبل از مذاکرات اکتبر ۲۰۰۹ در ژنو می‌گوید: «گر مذاکرات ژنو موفقیت‌آمیز نباشد و در آن پیشرفتی حاصل نشود، آمریکا قصد دارد همزمان با تشدید تحریم‌ها، اعمال فشار سیاسی علیه تهران را با حمایت «رسی» و «علنی» و «گسترده» از موسوی و خاتمی وسعت بخشد چرا که هیچ فشاری به دولت ایران بدون تقویت جریان‌های طرفدار غرب در ایران کارساز نیست. همین حالا هم این موضوع پنهانی نیست که ما از موسوی و خاتمی حمایت می‌کنیم اما علنی شدن این حمایت همزمان با اعمال تحریم‌ها می‌تواند این فایده را داشته باشد که مردم ایران به این نتیجه برسند که تنها راه‌هایی از تحریم‌ها گریز به این افراد است. قطعنامه ۱۹۲۹ در واقع اقدام علنی آمریکا در حمایت از فتنه ۸۸ بود.» تا اینجا ی کار فتنه‌گران از اصول اساسی انقلاب و امام عبور کرده بودند اما هم‌اگر همچنان با تبیین و ملاطفت با آنها سخن می‌رفت، ایشان ۲۲ آذر ۸۸ فرمودند: «آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، به‌مجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت‌گیری علیه این اصول به وجود بیاید،